

یک تیر و دو نشان احمدی نژاد...

امیر آریا

احمدی نژاد در سال
آخر عمر دولت برای
جلوگیری از ریزش
آرای خود در انتخابات
آینده، سیاست‌های
تهاجمی دولت را
کاهش خواهد داد



قوه مجریه، جایگاه واقعی خود را در نزد نمایندگان از دست داد و شاید اگر در قبال دولت رویه دیگری در پیش گرفته بود، الان با خیال راحت تر می توانست کلید ساختمان پاستور را تحویل بگیرد! در واقع حمایت‌های بی چون و چرای وی و نایب رییس اول مجلس از دولت که به بهانه همکاری با قوه مجریه صورت می گرفت، همراه با زیرکی احمدی نژاد در استفاده از موقعیت‌های ممکن دست به دست هم داد تا از یک شخصیت فرهیخته، علمی و مودب، یک مهره سوخته به وجود آید.

به هر حال حداد عادل زودتر از آنچه که تصور می شد، بازی را نه به جناح رقیب، که به همفکران و هم مسلکان خویش باخت تا به این باور برسد که در دنیای سیاست اگر همیشه به فکر دفاع باشد، راه به جایی ندارد و این مواضع هجومی است که رقیب را به حاشیه می راند!

اما اینکه چرا حداد عادل بازی را باخت و لاریجانی پیروز میدان لقب گرفت، دلایل دیگری هم دارد که یک سر آن به موضع دولت و حامیان احمدی نژاد بازمی گردد. در واقع یکی از علل رای نیاوردن حداد عادل، رویکرد احمدی نژاد و حامیان وی در فراکسیون اصولگرایان نسبت به علی لاریجانی است.

البته شکی نیست که بسیاری از خوانندگان ممکن است اختلافات عمده احمدی نژاد با لاریجانی را در زمان تصدی وی بر کرسی شورای عالی امنیت ملی مخالف این نظریه ارزیابی کنند و بگویند احمدی نژاد که

مهمی برای موفقیت او در برابر حداد عنوان کردند، هر چند که این مساله را نیز نباید نادیده گرفت، اما بدون شک یکی از مهمترین پارامترهایی که موجب افول زود هنگام حداد در مقابل لاریجانی شد، نه به حمایت‌های نمایندگان مجلس از لاریجانی، که به نحوه مدیریت او در مجلس و برخورد با دولت ناشی می شود.

حداد عادل به گفته‌ی ناظران آگاه و بی طرف، چهره‌ای فرهنگی و علمی است که مانند سایر سیاستمداران هنوز به راز و رمز واقعی بازی‌های سیاسی پی نبرده و در طول چهار سال گذشته نیز بدون اتخاذ مواضع رادیکالی به هیچ کدام از اصلاح طلبان، روشنفکران دگراندیش، جناح‌های سیاسی یا غیر خودی‌ها حمله‌ور نشد و کوشید با توجه به سابقه فرهنگی خویش در نزد همگان فردی فرهیخته، متین و معتدل معرفی شود که البته از این منظر نیز به موفقیت رسید، اما به دلیل مماشات بی حد نسبت به دولت نهم و فراموش کردن وظیفه‌ی نظارتی مجلس بر

میان ناباوری
صندلی خود را به
علی لاریجانی
تازه وارد واگذار
کرد.
بسیاری از
تحلیل‌گران صرفاً
شخصیت و
مناصب سیاسی
لاریجانی را عامل

با آغاز فعالیت هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، نقطه‌ی عطف مهم تحولات سیاسی کشور آغاز شده است.

این مساله بیشتر به دلیل نزدیک شدن به سال آخر ریاست جمهوری احمدی نژاد و نیز روشن شدن لایه‌های پنهان جناح بندی داخلی اصولگرایان اهمیت دارد که نمود آن در مجلس هشتم ظاهر شده است.

مجلس هفتم که به گفته‌ی بسیاری از صاحب نظران نقش نظارتی خود را بر عملکرد دولت نهم به بهانه‌ی تعامل با دولت فدا کرد؛ به دلیل موضع گیری لیدرهای جناحی مجلس با رویکرد منفی مردم مواجه شد، به گونه‌ای که حدود دو سوم نمایندگان این مجلس از راهیابی به مجلس هشتم بازماندند.

اکنون که اصلاح طلبان از متن به حاشیه رانده شده و نقشی در بافت قدرت ندارند، فرصت مناسب و حساس برای قضاوت نهایی درباره عملکرد جناح اصولگرا فراهم شده، زیرا زیرمجموعه‌ی این جناح از این پس با شفاف کردن مرز بندی‌های خود با یکدیگر به شکلی می کوشند قدرت یکدیگر را مهار کنند.

یکی از نکات پندآموز مجلس هشتم که تا حدودی برای مردم و گروه‌های سیاسی پرسش برانگیز بود، تغییر آرایش سیاسی مجلس هشتم به ویژه در ارکان ریاست آن است. حداد عادل که با سابقه‌ی فرهنگی و دوری از جناح بندی‌های مرسوم سیاسی توانست ریاست مجلس هفتم را عهده دار شود، به رغم نزدیکی و خویشاوندی با برخی مقامات عالی رتبه نظام، نتوانست در مجلس هشتم این پست را حفظ کند و در



آیا حداد عادل قربانی توافقی پنهانی احمدی نژاد و لاریجانی شده است؟

مجلس هشتم همراه بود، دفاع از ریاست لاریجانی بر مجلس هشتم بود. رییس جمهوری می داند که سال آینده انتخابات ریاست جمهوری برگزار می شود و از آن جا که در طول مجلس هفتم چالش های زیادی با نمایندگان داشت، ترجیح می دهد در سال آینده دولتش دست از سیاست های تهاجمی بردارد و در فضایی آرام تر به دوره دوم مسئولیت خود در دولت فکر کند.

احمدی نژاد به این باور رسیده که هر گونه چالش با

نمایندگان مجلس

هشتم ممکن است

باعث ریزش آرای

احتمالی وی در آینده

شود، به همین دلیل به

صورت تاکتیکی فعلا

سعی می کند با این

نمایندگان تا سال آینده

مدارا کند و در صورت لزوم

حتی به آنان امتیاز نیز

بدهد. به همین دلیل

ضمن هماهنگی با

جریان های سیاسی

مجلس از فرصت به وجود

آمده نهایت استفاده را کرد

و با حمایت از لاریجانی

(رقیب و منتقد خویش) با یک تیر دو نشان زد.

احمدی نژاد با حمایت از ریاست لاریجانی در واقع

دامنه ای اعتراضات و انتقادات او را از دولت نهم تا حدی

کاهش داد تا با دادن این امتیاز، لاریجانی از این پس در

اداره ای مجلس به اصل «تعامل با دولت» توجه

بیشتری کند. رییس جمهوری قطعاً میزان آرای

لاریجانی در انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم را به

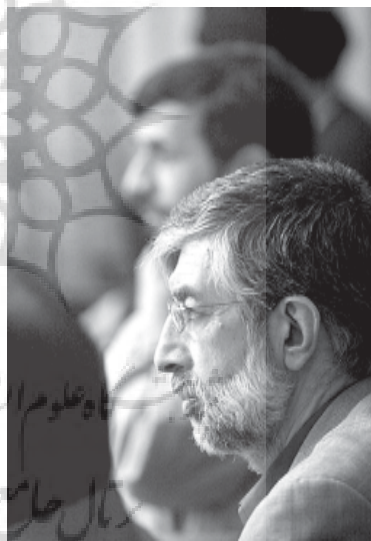
یاد دارد و می داند جایگاه و پایگاه واقعی او در بین

توده های مردم چگونه است و شاید به همین دلیل است

که زیاد نگران ریاست او بر مجلس نیست، زیرا رقیبان

دیگری هم هستند که باید سال آینده به آنها توجه

بیشتری کند.



لاریجانی را در شورای امنیت ملی تحمل نکرد، چگونه می تواند حالا در راس یک قوه ی نظارتی او را بپذیرد.

احمدی نژاد که البته در اتخاذ تصمیمات شتاب زده و تحول در ساختار کشور با انتقادات فراوانی روبه رو است که حجم عمده ی آن نیز به مشاورانش برمی گردد، این بار اما حساب شده بازی کرد و در صفحه ی شطرنج سیاسی کشور با یک حرکت، دو مهره ی رقیب خویش را سوزاند تا امیدوارتر به آینده نگاه کند.

وی نیک می داند که حداد

عادل به دلیل خصایل فرهنگی و علمی اش می توانست رقیب سرسختی در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده باشد، به همین دلیل در رایزنی با حامیان خود در مجلس کوشید به هر نحو ممکن لاریجانی به ریاست برسد، زیرا همواره روسای مجالس در کشور، رقیبان بالقوه ای برای انتخابات ریاست جمهوری محسوب می شوند و اکنون که حداد مانند سایر همکارانش پست ریاست ندارد، نمی تواند خطری برای قدرت او در آینده محسوب شود، بنابراین با این اقدام عملا یک رقیب پرتلاش و بالقوه ریاست جمهوری را از عرصه رقابت به حاشیه راند.

حرکت دوم احمدی نژاد که البته با حمایت

به این ترتیب احمدی نژاد با یک حرکت خود به دو هدف عمده رسید، اول حداد عادل را از صحنه ی رقابت خارج کرد و دوم رقیب منتقد و سرسخت خود را با نشاندن بر کرسی ریاست مجلس، از سیل انتقادات وارده در امان نگه داشت.

با توجه به تغییر و تحولات رخ داده در مجلس هشتم و عبور نمایندگان از حداد عادل، به نظر می رسد دوران تازه ای از فعالیت های سیاسی در پارلمان جمهوری اسلامی آغاز شده که مهمترین نتیجه ی آن تغییر در آرایش سیاسی کشور است. تغییر و تحول در نوع رابطه ی مجلس با دولت بی شک مهمترین پیامد این امر است و اگر در مجلس هفتم یک جریان خاص مجلس را هدایت می کرد، اینک عصر جدیدی از فعالیت سیاسی شروع شده که با هدایت لاریجانی بر مجلس، جلوه های پنهان آن به زودی آشکار می شود. هر چند لاریجانی با کمک و حمایت حامیان احمدی نژاد و اصلاح طلبان و اصول گرایان مستقل به این منصب رسید، با این حال تجربه ی تلخ مجلس هفتم را فراموش نخواهد کرد و می کوشد با فعال کردن اهرم های نظارتی مجلس، قوه ی مجریه را کنترل کند.

با این همه و با عنایت به فاکتورها و پارامترهای ذکر شده، هنوز جای یک فرضیه و پرسش اساسی خالی است و آن این نکته است که آیا در پارلمان کشور بین احمدی نژاد و لاریجانی توافقی حاصل شده است؟ به نظر می رسد یکی از احتمال های ممکن این باشد که لاریجانی با قبول پست ریاست مجلس، از ورود به صحنه ی انتخابات ریاست جمهوری صرف نظر کند که اگر این فرضیه صحت داشته باشد، نباید حداقل در سال اول فعالیت مجلس شاهد انتقاد مجلس از دولت باشیم، زیرا با گرفتن این پست عملا از سیل انتقادات لاریجانی به دولت احمدی نژاد کاسته می شود تا دولت در آخرین سال فعالیت خویش، مجال بیشتری برای برنامه های سال آینده ی خود داشته باشد. برای رسیدن به پاسخ زمان زیادی لازم نیست، زیرا در روزهای آینده با موضع گیری های لاریجانی در مقابله با دولت معلوم می شود که این فرضیه صحت داشته است یا خیر.

با این همه هنوز بسیاری از نمایندگان معتقدند که اصول گرایان با ترجیح دادن لاریجانی بر حداد عادل به دنبال نوعی تغییر موضع با دولت هستند، زیرا وجهه انتقادی لاریجانی نسبت به دولت آشکارتر از سایر اشخاص است و این انتخاب می تواند برای دولت درس ساز شود.

آیا حداد عادل قربانی توافقی پنهانی احمدی نژاد و لاریجانی شده است؟